

تحلیل محتوای کتاب‌های درسی دین و زندگی دوره متوسطه بر مبنای اصول و روش‌های تربیتی مستخرج از المحجۀ البيضاء فی التهذیب الاحیاء (با تأکید بر بخش عادات و منجیات)

دکتر عبدالحمید رضوی* دکتر رضا رسولی شربینانی** علیرضا بنی‌علی***

چکیده

هدف از پژوهش حاضر تحلیل محتوای کتاب‌های درسی دین و زندگی دوره متوسطه بر مبنای اصول و روش‌های تربیتی مستخرج از کتاب المحجۀ البيضاء فی التهذیب الاحیاء با تأکید بر بخش منجیات و عادات است. روش پژوهش، ترکیبی از روش‌های کمی و کیفی است. جامعه تحلیلی کتاب‌های دین و زندگی دوره متوسطه و پیش‌دانشگاهی در سال تحصیلی ۱۳۹۰ بود. نمونه تحلیلی «متن درس» و «گام‌های آخر» که به‌عنوان فعالیت پایانی هر درس در نظر گرفته شده، بوده است. ابزار جمع‌آوری اطلاعات «سباه وارسى محتوا» بود که پایایی آن با استفاده از ضریب کاپا برابر ۵۲٪ و ضریب معنادار است، محاسبه شد و روایی آن مورد تأیید متخصصان قرار گرفت. داده‌های حاصله با استفاده از آمار توصیفی، محاسبه فراوانی و درصد و آمار استنباطی آزمون مجذور خی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. یافته‌های حاصل حاکی از این است که اصول و روش‌های تربیتی در کتاب‌های چهار پایه تحصیلی متوسطه به‌طور معناداری متفاوت به کار رفته است اما این تفاوت‌های معنادار در مورد بخش گام‌های تربیتی کتاب، مشاهده نشد. در همه پایه‌های تحصیلی (به‌استثنای پایه اول) محتوای کتاب‌های دین و زندگی بیشتر به اصول تعقل و عدالت پرداخته است. البته با افزایش پایه تحصیلی، توجه به «تعقل» در متون افزایش یافته است. هم‌چنین در پایه‌های دوم و سوم به اصل «تذکر» تقریباً به یک نسبت توجه شده است. بررسی روش‌های تربیتی ده‌گانه در متن کتاب پایه‌های مختلف نشان داد که به روش‌های «تعلیم حکمت»، «تزکیه» و «ابراز توانایی» در کلیه کتاب‌ها توجه شده است و این تأکید در پایه اول بیشتر از دیگر پایه‌ها است. در گام‌های تربیتی کتاب‌های سه پایه تحصیلی، اصل «تذکر» بیشترین فراوانی و اصل «عدل» کمترین فراوانی را به خود اختصاص داده است. شاید بتوان گفت این تفاوت با هدف مؤلفان در تدوین بخش گام‌های تربیتی همسو باشد. به‌طور کلی می‌توان گفت متن درس‌ها بیشتر جنبه عقلانی و متن گام‌های تربیتی بیشتر جنبه تهییجی دارد.

واژه‌گان کلیدی: المحجۀ البيضاء فی التهذیب الاحیاء، کتاب درسی دین و زندگی، اصول تربیتی،

روش‌های تربیتی، دوره متوسطه.

تاریخ دریافت: ۹۳/۲/۳۰ □ تاریخ پذیرش: ۹۴/۷/۲۶

* نویسنده مسئول، استادیار تاریخ و فلسفه تعلیم و تربیت پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش Abdolhamid.Razavi@gmail.com

** استادیار الهیات دانشگاه پیام نور واحد تهران مرکز

*** کارشناس ارشد اخلاق دانشگاه پیام نور واحد تهران مرکز

محمدبن مرتضی، مشهور به ملامحسن فیض‌کاشانی (۱۰۰۷-۱۰۹۱ هـ ق) از فقیهان، مفسران، محدثان و مربیان برجسته قرن یازدهم هجری است. اهمیت وی به جامعیت در علوم گوناگون و کثرت تألیف و فراوانی آنها خلاصه نمی‌شود. فیض‌اندیشمندی نوپرداز، نظریه‌پردازی دقیق و احیاءگری پرتوان است، در شرایط اجتماعی، سیاسی و فرهنگی دوران صفویه در خاندانی عالم‌پرور در کاشان به دنیا آمد و از محضر استادان بزرگی از جمله محدث بحرانی، شیخ بهایی و صدرالمতالہین شیرازی بهره‌وافر برد. وی توفیق خود را وامدار غذای حلال و پیروی از اهل بیت عصمت و طهارت دانسته است (بهشتی، ۱۳۹۰).

فیض‌کاشانی در حوزه اخلاق و تربیت دو کار برجسته و ممتاز انجام داد. ۱. بر پایه مکتب اهل‌بیت عصمت و طهارت و با استناد به روایات و احادیث معصومان (ع)، آراء و اندیشه‌های اخلاقی-تربیتی خود را نگاشت و آنها را در مجموعه‌ای به نام المحججه‌البیضاء فی التہذیب الاحیاء مدون نمود و راه تابان و درخشان سلوک و تہذیب نفس و تصفیہ باطن را به درستی نشان داد. ۲. از زاویه اخلاق و تربیت به فقه‌نگریست و در پاره‌ای از ابواب فقه جنبه‌های اخلاقی تربیتی احکام فقهی و پیوند و تأثیر و تعامل فقه و اخلاق و تربیت را به خوبی نشان داد و در پاره‌ای از موارد با استناد از احکام فقهی به سوی نظام‌سازی اخلاقی-تربیتی حرکت کرد و به معنایی به فقه‌الاخلاق و یا فقه‌التربیه دست یافت (بهشتی، ۱۳۹۰).

کتاب المحججه‌البیضاء فی التہذیب الاحیاء بهترین و کامل‌ترین تلخیص و تہذیب کتاب احیاء علوم الدین اثر امام محمد غزالی است که براساس مبانی و اعتقادات شیعه به رشته تحریر در آمده است. در این مجموعه، مولف فراوان از آیات و روایات استفاده نموده است. از این‌رو این اثر را می‌توان در زمره آثار روایی شیعه به شمار آورد.

این کتاب از چهار بخش عبادات، عادات، مهلکات و منجیات تشکیل شده است. بخش عبادات مشتمل بر کتاب علم، عقاید اساسی، اسرار طهارت، نماز، روزه، زکات، آداب تلاوت قرآن، حج و کتاب اذکار و ادعیه است. بخش عادات شامل آداب خوردن و آشامیدن، نکاح و کسب معاشرت است. بخش مهلکات به بیان مفسد و

رذائل اخلاقی مانند شهوت، غضب، حسد، کینه، ریا، عجب و... در مان آن‌ها پرداخته است و بخش منجیات به بیان فضائل و صفات پسندیده همچون صبر، زهد، توحید، رضا، ذکر و... اختصاص دارد. منجیات یعنی آنچه باعث نجات از مهلکات می‌شود که همان دوا و درمان و یا حتی پیشگیری از مهلکات می‌شود. روال عادی مباحث به این‌گونه است که ابتدا آیات قرآن و سپس احادیث رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وآله و اهل بیت علیه‌السلام بیان شده است. تألیف این اثر، راه انتقالی برای حضور کتاب احیاءالعلوم و اندیشه اخلاقی غزالی در محافل علمی - فرهنگی شیعی است. بی‌تردید با نگارش این کتاب در درون جریان تفکر اخلاقی شیعی در سده‌های یازدهم به بعد آفت‌زدایی شد. اگرچه کتاب کاملاً شبیه احیاءالعلوم است، اما در برخی موارد ابواب طولانی به فصل‌های کوچک‌تری تقسیم شده است، برخی از مباحث به نظم و نسق، آراسته و از حشو و زوائد، پیراسته گردیده و برخی از ابواب با اضافه شدن اسرار و حکمی که به اهل بیت علیهم‌السلام و شیعیان ایشان اختصاص دارد و با حذف آیات غیرمتناسب مورد استشهاد و روایات ضعیف و اقوال و حکایات نامعقول و نامشروع، بر اصول صحیح و محکم مستفاد از قرآن، سنت و عقل سلیم استوار گردیده تا کتابی جامع در امور اخلاقی و تربیتی به دست آید (اعوانی، ۱۳۷۷).

لازم به ذکر است این کتاب یک دوره کامل اخلاق اسلامی شیعی است و با بهره‌گیری از آیات قرآن کریم و روایات معتبر از پیامبر اکرم (ص) و ائمه معصومین (س) به تفسیر و تحلیل فضایل و رذایل اخلاقی پرداخته و روش خودسازی را تعلیم داده است. این کتاب که در تکمیل و تهذیب کتاب احیاءالعلوم‌الدین غزالی به رشته تحریر درآمده است، هم‌اکنون در کشورهای اروپایی به‌عنوان بزرگ‌ترین و مهم‌ترین کتاب اخلاق اسلامی شناخته شده است (قانعی، ۱۳۸۶: ۱۵۲). انتشارات کالج اسلامی لندن که عهده‌دار معرفی اندیشه، تفکر اسلامی و شناساندن اندیشمندان مسلمان به زبان انگلیسی است، در سال ۱۳۸۴ ترجمه برخی از کتاب‌های اسلامی از جمله «المحجة البيضاء فی التهذیب الاحیاء» را به پایان رسانیده است.

از محورهای اساسی کتاب المحجة البيضاء فی التهذیب الاحیاء تربیت اخلاقی است. اخلاق جمع خُلق است و به معنای نیروی درونی انسان می‌باشد که با چشم باطنی درک می‌شود. خُلق صفت نفسانی راسخ و استوار است که این صفت راسخ

درونی اگر متناسب با خود ملکوتی باشد، فضیلت و اگر متناسب با خود حیوانی باشند رذیلت نامیده می‌شود. تربیت اخلاقی فراهم کردن بستری به منظور ایجاد، تقویت و شکوفایی صفات متناسب با خود ملکوتی و اصلاح و از بین بردن صفات خود حیوانی است. البته، می‌توان اخلاق را به شکل‌های دیگری هم تعریف کرد: اخلاق حالت یا صفت راسخ نفسانی اعم از خوب یا بد، صفت برای افعال اختیاری انسان، صفت برای رفتار متناسب با خود ملکوتی است. علم اخلاق علمی است که صفات نفسانی خوب و بد، اعمال و رفتار اختیاری متناسب با آنها را معرفی می‌کند و شیوه کسب صفات خوب و انجام افعال پسندیده و دوری از صفات نفسانی و اعمال بد را نشان می‌دهد (فاضلی، ۱۳۸۹). تربیت اخلاقی یکی از جلوه‌های متعالی تعلیم و تربیت است، که هدف عمده آن رشد اخلاقی شاگردان می‌باشد، به‌گونه‌ای که آنان را نیک بار آورد، امری که مریبان و معلم‌ان ناچارند به‌طور مستقیم و غیرمستقیم به آن توجه نمایند.

اهمیت مطالعه کتاب المحججه البیضاء فی التهذیب الاحیاء به‌گونه‌ای است که به عنوان راه روشن زندگی، اصول و روش‌های تربیتی از آن قابل استنباط است. در مورد مفهوم «اصل» تعابیر متفاوتی بیان شده است. عزتی (۱۳۵۶) اصول را مفهوم یا تعمیمی می‌داند که به‌عنوان راهنمایی برای معلم در هدایت شاگردان در رسیدن به اهداف آموزشی ایفای نقش می‌کند. شکوهی (۱۳۷۸) اصول تعلیم و تربیت را به منزله ابزاری می‌داند که با استفاده از آن مریبان می‌توانند به موقع و در عین حال با روشن‌بینی کافی تصمیم بگیرند و وظایف تربیتی خود را به نحو رضایت بخشی انجام دهند. شریعتمداری (۱۳۶۴) اصول تعلیم و تربیت را مفاهیم، نظریه‌ها و قواعد نسبتاً کلی می‌داند که در بیشتر موارد صادق است و باقری (۱۳۷۰) اصول را قاعده عامه‌ای تعریف کرده است که می‌توان آن را به‌منزله دستورالعملی کلی در نظر گرفت و از آن به‌عنوان راهنمای عمل در تدابیر تربیتی استفاده کرد.

مرور مطالعات محققانی همانند علی‌پور و آقا میری (۱۳۹۰)، پازوکی (۱۳۸۷) و رفیعی (۱۳۸۱) در مورد فیض کاشانی حاکی از آن است اگرچه فیض در آثارش مستقیماً به اصول و روش‌های تربیت اشاره ندارد اما می‌توان از آثار وی همچون

کتاب المحجة البيضاء فی التهذیب الاحیاء استنباط‌هایی در حوزه اصول و روش‌های تربیتی داشت. از جمله اصول قابل استنباط می‌توان به اصل تعقل، تذکر، اعتدال و عزت اشاره کرد. در نظر فیض کاشانی تمام فضایل اخلاقی به اعتدال در شخصیت و به اصطلاح عدالت منجر می‌شود و به عبارت دیگر عدالت غایت اخلاق و تعقل (قوه عاقله) ابزار اخلاق است که همان وسیله کشف و تفسیر و تشخیص فضایل و رذایل اخلاقی می‌باشد.

نتیجه فردی و اجتماعی اخلاق ایجاد عزت در انسان است. نقش انبیا الهی در امر تربیت و اخلاق نیز تذکر است. لقب پیامبر اسلام در قرآن نیز «مذکر» است چنانچه می‌فرماید «و ذَكَرُ فَإِنَّ الذِّكْرَی تَنْفَعُ الْمُؤْمِنِیْنَ» (الذاریات، ۵۵) که البته این برای احیاء فطرت بیان شده است. مستندات اصل تعقل در جلد‌های اول (فیض کاشانی، ترجمه عارف، ۱۳۷۲)، چهارم (فیض کاشانی، ترجمه عطایی، ۱۳۸۹) و هشتم (فیض کاشانی، ترجمه عارف، ۱۳۷۲)، مستندات اصل عدل در جلد اول (فیض کاشانی، ترجمه عارف، ۱۳۷۲)، مستندات اصل تذکر در جلد‌های اول، دوم و هفتم (فیض کاشانی، ترجمه عارف، ۱۳۷۲) و جلد پنجم (فیض کاشانی، ترجمه صاحبی، ۱۳۷۶) و مستندات اصل عزت در جلد‌های اول (فیض کاشانی، ترجمه عارف، ۱۳۷۲) و پنجم (فیض کاشانی، ترجمه صاحبی، ۱۳۷۶) را می‌توان یافت. به عبارت دیگر فیض کاشانی بدون آنکه بخواهد مستقیماً اصول تربیتی خاصی نام ببرد به مضمون و با تمسک به آیات قرآنی متعدد، مباحثی مطرح نموده است که از آن اصول تربیتی متعددی قابل استنتاج است. اهمیت این اصول به حدی است که وی در لابه‌لای کتاب المحجة البيضاء فی التهذیب الاحیاء به‌ویژه در بخش منجیات و عادات همواره اشاراتی به این اصول داشته است که ارجاعات روایی و قرآنی آن در جدول ۱ آمده است.

جدول ۱: شواهد روایی و قرآنی اصول تربیتی در کتاب المحجّه البیضاء فی التّهذیب الاحیاء

اصل	شواهد روایی در المحجّه البیضاء	شواهد قرآنی در المحجّه البیضاء	نمونه و مصداق
تعقل	ج ۱: ص ۸۳ و ۳۰۵ الی ۳۱۰ و از ۳۱۲ و ۳۳۲ و ۳۳۴ ج ۴: از ۳۰ الی ۴۵ ج ۸: ۲۴۲ الی ۲۵۰، ۲۸۲ و ۲۸۷	(روم: ۸)، (عنکبوت: ۴۳)، (بقره: ۲۴۲)، (الإنسان: ۳)، (اعراف: ۱۷۲)، (زخرف: ۸۷)	فیض کاشانی تعقل را تفکر هدایت شده می‌داند و عقل را محور آن قرار داده است و آنرا مکمل شرع تعریف کرده است. سه مفهوم از عقل را در بیان خود بدون تصریح به آن بکار برده است: نخست آن مفهوم که عقل را مختص انبیاء می‌داند دوم مفهوم عقل مستقل است که در نظر وی در فرایند استنباط به کار نمی‌آید. سوم مفهومی از دلیل عقلی است که بارها آن را به کار گرفته و بیشتر درک خطابات شرعی و درک نشانه‌های پروردگار و آیات الهی است (فیض کاشانی، ج ۱، ترجمه عارف، ۱۳۷۲)
عدل	ج ۱: ص ۳۶۷ و ۳۶۸، ۳۷۰، ۳۷۱ و ۴۱۰	(الرحمن: ۷)، (فصلت: ۴۶)، (زمر: ۷)، (حج: ۴۷)، (اسراء: ۱۵)، (نساء: ۱۶۵)، (طه: ۱۳۴)، (توبه: ۱۱۵)، (شمس: ۸)، (دهر: ۳)، (آل عمران: ۱۸۲)، (انسان: ۳۰)، (بقره: ۱۸۵)، (حدید: ۲۵)، (بقره: ۲۸۶)، (اعراف: ۸-۹)، (انبیاء: ۲۷)	فیض کاشانی در تفسیر آیه... وَ وَضَعَ الْمِيزَانَ (الرحمن، ۷) می‌گوید: «خداوند عدالت را برقرار نمود، بدین نحو که به هر صاحب استعدادی، آنچه که استحقاق داشته عطا نمود و حق هر صاحب حقی را ادا کرد تا کار عالم بسامان شد و راست آمد» (فیض کاشانی، تفسیر الصافی، بیتا ج ۵، ص ۱۰۷).
تذکر	ج ۱: ص ۳۰۷ و ۳۰۸، ۳۱۱ ج ۲: ص ۳۷۱ و ۳۷۲، ۳۸۰، ۳۸۴ و ۳۹۱	(بقره: ۱۸۶)، (تی: ۱۶)، (اعراف: ۲۰۵)، (طه: ۱۲۶)، (بقره: ۱۵۲)، (بقره: ۲۲۲)، (ص: ۲۹)، (مائده: ۷)، (قمر: ۱۷)، (احزاب: ۴۱-۴۲)، (مدثر: ۶)	فیض کاشانی تذکر را یادآوری می‌داند و یادآور شده است تذکر دو گونه است. یکی آن که صورتی را به یاد آورد که در دل حضور داشته باشد. دوم آن صورتی را که با نهاد او سرشته شده و با فطرت او درآمیخته و اینها حقایق روشنی است برای کسی که به نور بصیرت بنگرند، اما برای کسی که استناد و اطمینان او به سمع و تقلید است نه کشف و مشاهده (فیض کاشانی، ج ۱، ترجمه عارف، ۱۳۷۲)
عزت	ج ۱: ۳۰۸، ۴۱۰ ج ۵: ص ۴۹۰	(اسراء: ۷۰)، (حجرات: ۱۳)، (حج: ۵۰)، (حج: ۱۸)، (المنافقون: ۸)	فیض کاشانی عزت را ناظر بر ویژگی ممتاز انسان دانسته است. وی باور دارد عزت صفت وجودی است و هرگاه معیار آن موجود باشد آن نیز موجود می‌شود (فیض کاشانی، ج ۱، ترجمه عارف، ۱۳۷۲)

علاوه بر پرداختن به بحث اصول، بحث روش‌های تربیتی نیز از جمله مواردی است که از کتاب المحجة البيضاء فی التهذیب الاحیاء به ویژه در بخش عادات و منجیات قابل استنباط است. البته لازم به ذکر است که بخش عبادات و مهلکات نیز در این مجموعه از نظر پنهان نمانده و مد نظر قرار گرفته است. از این رو قبل از پرداختن به روش‌های مورد اشاره در این کتاب لازم است ابتدا تعریفی از روش ارائه شود و به دنبال آن روش‌هایی که در این مجموعه مورد توجه قرار گرفته است معرفی شود. دهخدا (۱۳۷۷) روش را در معنای طرز، طریقه، قاعده، قانون، راه، هنجار، اسلوب، سبک، طریق، گونه، سنت، نمط، رسم و آیین به کار برده است. بهشتی (۱۳۸۰) روش تربیت را راه رسیدن به هدف تربیتی می‌داند که در قلمرو تعلیم و تربیت به عنوان یک علم دستوری و کاربردی در بردارنده مفهوم «باید» است، کاربرد دارد. باقری (۱۳۷۰) روش‌های تربیتی را دستورالعمل‌هایی می‌داند که به ما می‌گوید برای رسیدن به مقصد مورد نظر چه باید بکنیم. ایشان یاد آور شده‌اند که در استخراج روش‌های تربیتی باید به جنبه‌های کاربردی توجه نمود. روش‌های قابل استنباط از مجموعه مجلدات المحجة البيضاء فی التهذیب الاحیاء که مورد اشاره نویسندگان و محققان مختلف از جمله علی پور و آقامیری (۱۳۹۰)، پازوکی (۱۳۸۷)، رفیعی (۱۳۸۱) قرار گرفته است ابراز توانایی، انذار، تزکیه، تعلیم حکمت، تغافل، تکلیف به قدر وسع، عبرت‌آموزی، مجازات به قدر خطا، موعظه حسنه، یادآوری نعمت‌ها می‌باشد. به اعتقاد محققان از جمله رفیعی (۱۳۸۱)، حاج سیدجوادی و خرمشاهی (۱۳۸۵)، پازوکی (۱۳۸۷) و علی پور و آقامیری (۱۳۹۰) تأکید فیض‌کاشانی بر عواقب دنیوی و اخروی رذایل بیانگر روش انذار، بیان لوازم دنیوی و اخروی و نعمت‌های الهی در ازای فضائل بیانگر روش ایثار، پرداختن به مسئله علم و آثار آن در انسان و بیان نکات مهم قرآنی و روایی در مورد اهمیت علم بیانگر روش تعلیم حکمت و استفاده از نصایح ائمه معصومین و وعده‌های قرآنی برای تشویق متریبان جهت کسب فضائل و حسنات به روش موعظه حسنه اشاره دارد.

هم‌چنین بحث از تکالیف عبادی و شرعیات مانند نماز، حج و روزه و شرایط آن بیانگر توجه او به روش تکلیف است؛ اما در اغلب موارد او به کف نفس و امساک از افراط و تفریط پرداخته و تأکید دارد که حب دنیا ریشه همه رذایل است و با تفسیر حدیث پیامبر بزرگ اسلام «حب الدنيا راس كل خطیئه» سعی کرده است با

پرهیز دادن قلوب متریبان از حب دنیا (مال، ثروت، مقام، منصب، همسر و فرزندان) آنها را از دام‌های شیطان نجات دهد به طوری که تأکید زیاد او به مسئله زهد برخی از صاحب نظران را بر آن داشته است که نظام فکری و اخلاقی او را در زمره اخلاق عرفانی بدانند. لازم به ذکر است که فیض کاشانی در اهمیت این روش‌ها همواره آیات و روایات فراوانی را مطرح و بر آثار، فواید مثبت فردی، اجتماعی آنها و همین‌طور وجوب شرعی و عقلی آنها تأکید نموده است. شواهد روایی و قرآنی مربوط به روش‌های فوق‌الذکر در جدول ۲ آمده است.

جدول ۲: شواهد روایی و قرآنی روش‌های تربیتی در کتاب المحجّه البیضاء فی التهذیب الاحیاء

شواهد قرآنی مستخرج از المحجّه البیضاء	شواهد روایی مستخرج از المحجّه البیضاء	روش تربیتی	نمونه و مصداق
(طلاق: ۷)، (بقره: ۲۸۶)، (انعام: ۱۵۲)، (نساء: ۹۸)	(ج ۱: ص ۲۹۹ و ۳۶۹ و ۳۷۱)	تکلیف به قدر وسع	فیض کاشانی مکرراً در جاهای مختلف یادآور شده است که مردمان سه دسته‌اند: یک دسته مثلثان مثل غذاست که انسان را از آن چاره‌ای نیست و دیگری مثلش، مثل دواست که گاه‌گاهی انسان بدان نیاز پیدا می‌کند و سومی مثلش مثل مرض است که هیچ‌گاه انسان بدان نیاز پیدا نمی‌کند ولی گاه‌گاهی بدان مبتلا می‌شود که با این افراد باید مدارا کرد. پس باید با انسان‌ها متناسب با توان‌شان برخورد کرد. (فیض کاشانی، ج ۱، ترجمه عارف، ۱۳۷۲)
(شعراء: ۲۰۷-۲۰۸)، (سبأ: ۲۸)، (احقاف: ۱)، (انعام: ۹۲)	(ج ۴: ص ۱۹۳)	انذار	فیض کاشانی انذار را آگاه کردن فرد از نتایج و اخبار به آثار مترتبه بر یک عمل ناشایسته و معصیت اختیاری که تولید خوف می‌کند تعریف کرده است (فیض کاشانی، ترجمه عطایی، ۱۳۸۹)
(انعام: ۱۶۴)، (نحل: ۲۵)، (انبیاء: ۴۷)	(ج ۱: ص ۴۱۰)	مجازات به قدر خطا	فیض کاشانی پاداش و کیفر را، از لوازم و ثمرات کارهایی می‌داند که از انسان سر می‌زند و از لواحق و پپی‌آمدهایی اموری می‌داند که در انسان وجود دارد و این‌طور نیست که از خارج بر انسان وارد شوند. پس مجازات نیز (مانند آزمایش) آشکار ساختن چیزی است که در قدر به سود یا زیان انسان نوشته و ابراز چیزی است که در او به طور بالقوه به ودیعت نهاده شده است. پس هر که بدعمل کند و در اعتقادش خطا نماید، جز این نیست که به خاطر ظلمت جوهر و سوء استعداد خویش بر خود ستم روا داشته و در نتیجه در معاد شقاوت‌مند خواهد بود؛ (فیض کاشانی، ج ۱، ترجمه عارف، ۱۳۷۲)

روش تربیتی	شواهد روایی مستخرج از المحجة البيضاء	شواهد قرآنی مستخرج از المحجة البيضاء	نمونه و مصداق
ابراز توانایی	ج ۱: ص ۱۲۱۳، ۱۶ و ۷۴ ج ۴: ص ۱۳۱ ج ۵: ص ۷، ۱۳، ۱۶، ۱۳۰، ۳۱۵، ۴۳۸ و ۴۳۹، ۴۴۰ (ج ۶: ص ۳۱۰)	(هود: ۷۸)، (الحجرات: ۱۳)، (علق: ۳)، (فجر: ۲۸)، (قیامت: ۳)، (یوسف: ۵۳)، (المنافقون: ۸)، (حشر: ۲۰)	فیض کاشانی یادآور شده است کسی که می‌خواهد به علوم پوشیده و گوهرهای نهان خزائن الهی دست یابد باید تندرست، امین، زیرک، پاک دامن، درست کردار، پاکیزه اخلاق، بیزار از مکر و خیانت، دور از ریا و نفاق، و عامل به فرائض و نوافل شرع باشد. چنین کسی باید از فرائض آغاز کند و سپس به نوافل بپردازد و بعد مراعات آداب و سنن کند و بر بلاها صبر داشته باشد و به ملازمت ذکر، مداومت فکر، دوری از شهوت نفس و ظواهر شیطانی به اندازه توانایی‌اش بپردازد (فیض کاشانی، ج ۱، ترجمه عارف، ۱۳۷۲)
تغافل	ج ۲: ص ۴۳۰ الی ۴۳۸، ۴۴۱ و ۴۳۹	(توبه: ۶۱)، (نصر: ۳)، (نساء: ۶۴)، (آل عمران: ۱۵۹)، (نور: ۱۹)	فیض کاشانی تأکید می‌کند همچون شخص مؤمن باش که اگر خطا و اشتباهی از کسی دید درصدد است که عذری برای آن پیدا کند و همچون منافق مباش که پیوسته درصدد است عیبی برای کسی پیدا کند. فیض در ارتباط با چگونگی معاشرت اجتماعی سالک با مردم بر دستورالعمل‌هایی تأکید دارد از آن جمله این که همواره با تغافل با آنها رفتار کنند مثلاً اینکه "از اظهار حاجت به دیگران دوری کند" و یا "عذرخواهی افراد را بپذیرد و تاجایی که ممکن است از عیوب آنان تغافل کند" و "مردمان را از هدایت و ارشاد خویش محروم نسازد و عیوب آنان را آبرومندانه تذکر دهد" (فیض کاشانی، ج ۲، ترجمه عارف، ۱۳۷۲)
تذکیر	ج ۱: ص ۸۰، ۹۰، ۹۱، ۹۴، ۲۳۱، ۲۳۲، ۲۳۳، ۲۳۸، ۲۳۹ و ۲۹۷ (ج ۳: ص ۲۵۱ و ۲۵۲) ج ۵: ص ۱۲۶، ۱۲۸، ۱۲۹، ۱۳۱، ۱۶۱، ۱۶۲ و ۱۶۳ (ج ۸: ص ۱۶۳، ۱۶۴، ۱۷۵، ۱۷۶ و ۱۸۰)	(بقره: ۱۷۴-۱۷۵)، (جمعه: ۲)، (بقره: ۴۴)، (نازعات: ۴۰-۴۱)، (زمر: ۱۸-۱۷)، (انعام: ۷۹)، (تحریم: ۶)، (بقره: ۲۸۲)، (انفال: ۲۹)، (اعراف: ۹۶)، (طلاق: ۲-۳)، (عنکبوت: ۶۹)، (رعد: ۴)، (توبه: ۱۰۹)، (حجرات: ۳)	فیض کاشانی یادآور شده است که شایسته است مؤمن از مردم درخواست ننماید و تا می‌تواند عزت نفس پیشه کند. به‌دراستی که تقاضا کردن از مردم سبب خواری در دنیا، فقر زودرس و گرفتاری طولانی در روز قیامت است (فیض کاشانی، ج ۱، ترجمه عارف، ۱۳۷۲)

روش تربیتی	شواهد روایی مستخرج از المحجّه البيضاء	شواهد قرآنی مستخرج از المحجّه البيضاء	نمونه و مصداق
تعلیم حکمت	ج ۱: ص ۳۵۵ و ۳۵۶ ج ۵: ص ۶۳ و ۶۷	(ذاریات: ۲۰)، (انفال: ۲۹)، (لقمان: ۲۵)، (حج: ۳۱)، (اعلی: ۱۰)، (فاطر: ۲۸)، (بقره: ۲۶۹)، (مریم: ۱۲)، (عنکبوت: ۶۹)، (طلاق: ۲)، (انفال: ۲۹)	فیض کاشانی معرفت را به دو دسته دنیوی و اخروی تقسیم نموده است. معرفت دنیوی طب و ریاضیات و معرفت اخروی اصلی شهودی است و با تزکیه و تهذیب نفس به دست می آید؛ اما علم و معرفتی بالفرض، علم اخلاق و علم شرایع، پیوند وثیق و عمیق با عمل دارد (فیض کاشانی به نقل از بهشتی، ۱۳۸۸: ۱۳۵) همه این مواردی که با عمل ملازمند (فلسفه‌ای که جامع همه علوم عقلی حقیقی است و با تغییر زمان و تبدل ادیان، تغییر و تبدل ندارد، در عرف فلاسفه "حکمت" نامیده می‌شود (فیض کاشانی، ج ۱، ترجمه عارف، ۱۳۷۲)
موعظه	ج ۸: ص ۱۷۲ و ۱۷۷	(نحل: ۱۲۵)	فیض کاشانی در تفسیر آیه ۱۲۵ سوره نحل در مورد موعظه حسنه سه توصیه دارد. دعوت خواص به حق که باید با روش استدلال منطقی و روشن باشد. ارشاد عامه مردم که لازم است با روش بیان‌های قانع کننده و ذکر عبرت‌های سودمند باشد دعوت مخالفین که باید با مناظره همراه با مدارا و نرمی باشد نه با جدال و مراء. او می گوید مناظره غیر احسن بر شیعیان حرام است (فیض کاشانی، ج ۸، ترجمه عارف، ۱۳۷۲)
یادآوری نعمت	ج ۴: ص ۱۴۹ ج ۷: ص ۱۸۲، ۱۸۳ و ۱۸۹		فیض کاشانی معتقد است علاوه بر این که هر خوبی، سعادت و لذت بلکه هر مطلوب و مؤثری نعمت گفته می‌شود. لیکن نعمت حقیقی سعادت آخرت است و آنچه غیر از آن است یا به غلط و یا بر سبیل مجاز سعادت خوانده می‌شود؛ چنان که سعادت دنیوی را که به کار آخرت هیچ کمکی نمی‌کند نیز نعمت می‌نامند و این غلط محض است. گاهی اطلاق نام نعمت بر چیزی در دست است لیکن درست‌تر از آن است که این نام بر سعادت اخروی اطلاق شود؛ از این رو هر سببی که انسان را به سعادت آخرت رساند و به این مقصود با یک واسطه یا چند واسطه کمک کند نامیدن آن به نعمت درست است، چه آن انسان را به نعمت حقیقی می‌رساند. (فیض کاشانی، ج ۷، ترجمه عارف، ۱۳۷۲)
عبرت آموزی	ج ۷: ص ۱۹۱	(شعراء: ۸)	فیض کاشانی یاد آور شده است حق برادران دینی بر یکدیگر فرض است از جمله: بر آوردن خواسته‌های برادران دینی و اقدام به انجام آن‌ها قبل از تقاضا و مقدم کردن آن‌ها بر حاجات خود (فیض کاشانی، ج ۷، ترجمه عارف، ۱۳۷۲)

اهمیت این اصول و روش‌ها در حوزه تعلیم و تربیت به حدی است که در زندگی هر انسانی نقش چراغ راه روشن را ایفا می‌کند و همواره هادی و هدایت‌گر زندگی است. لازم به ذکر است که در ادبیات تعلیم و تربیت اسلامی اصول و روش‌ها از یک سنخ هستند. زیرا هر دو دستورالعمل‌اند و به ما می‌گویند که برای رسیدن به مقصد و مقصود مورد نظر "چه باید" انجام دهیم. اما تفاوت آن‌ها در این است که اصول دستورالعمل‌های کلی و روش‌ها دستورالعمل‌های جزئی هستند (باقری، ۱۳۸۹). بر این اساس روش‌های ناظر بر اصل تعقل روش تزکیه و تعلیم حکمت، روش‌های ناظر بر اصل عدل، تکلیف به قدر وسع، انذار، مجازات به قدرخطا، روش‌های ناظر بر اصل تزکیه، موعظه، یادآوری نعمت و عبرت‌آموزی و روش‌های ناظر بر اصل عزت، ابراز توانایی و تغافل است.

حال یکی از کتاب‌های درسی دانش‌آموزان در دوره متوسطه که قرار است نقش هدایت‌کنندگی برای دانش‌آموزان را در زندگی ایفا نماید "کتاب دین و زندگی" است. در نظام‌های آموزش رسمی کتاب‌های درسی اهمیت زیادی در تعیین محتوا و خط‌مشی آموزش دارند، لذا کانون توجه تمامی دست‌اندرکاران آموزش و پرورش قرار گرفته‌اند. اهمیت کتاب‌های درسی در نظام‌های آموزشی متمرکز مانند ایران که تقریباً تمام عوامل آموزشی براساس محتوای آن تعیین و اجرا می‌شود، بیش از سایر نظام‌های آموزشی است. به همین خاطر بررسی و تحلیل کتاب‌های درسی راه‌گشای بسیاری از مشکلات جاری آموزشی است (فردانش و شیران، ۱۳۷۹: ۱۳۵). تحلیل کتاب درسی به متصدیان و مؤلفین کتاب‌های درسی کمک می‌کند تا در هنگام تهیه، تدوین، گزینش و تجدید نظر در کتاب درسی تصمیمات معقولانه‌تری اتخاذ کنند (یارمحمدیان، ۱۳۷۷: ۱۳۶۶، فضل‌اللهی، ۱۳۷۴، جعفری هرنندی، ۱۳۷۵ و جعفری هرنندی و همکاران، ۱۳۷۸).

لازم به ذکر است مطالعات انجام شده در بررسی کتاب دین و زندگی دوره دبیرستان عمدتاً در رابطه با متغیرهایی متفاوت از موضوع این مطالعه صورت گرفته است. از این‌رو کلیه مطالعات انجام شده عمدتاً در رابطه با بررسی محتوای این کتاب با نیازهای دانش‌آموزان (میرعارفین، ۱۳۹۰)، عملکرد مذهبی و ویژگی‌های روان‌شناختی از قبیل عزت نفس، سلامت روان (احمدی، ۱۳۸۶) و هویت دینی (زمانی، ۱۳۸۵)، اعتماد به نفس (جلیل‌وند، ۱۳۸۶، سیف‌اللهی ۱۳۸۵) و رفتار دینی (علی‌درزی، ۱۳۸۷)

صورت گرفته است که در این جا به طور خیلی مختصر به آن‌ها اشاره می‌شود.

میر عارفین (۱۳۹۰) در مطالعه خود تحت عنوان «آسیب‌شناسی کتاب دین و زندگی دوره متوسطه و پیش‌دانشگاهی از منظر توجه به نیازهای دانش‌آموزان» هدف از تحقیق خود را بررسی دیدگاه دبیران و دانش‌آموزان در زمینه راه زندگی و اخلاق، اعمال، آداب، با توجه به آنچه در راهنمای برنامه درسی تعلیم و تربیت دینی دوره متوسطه و پیش‌دانشگاهی آمده است مطرح کرده است. یافته‌های این مطالعه حاکی از این است که اگر چه کاستی‌هایی در این کتاب (دین و زندگی) مشاهده می‌شود اما کتاب از عهده بسیاری از محورهای مورد بحث به خوبی برآمده و می‌تواند پاسخگوی نیازهای دینی مخاطبان باشد.

علی‌دززی (۱۳۸۷) در پژوهشی تحت عنوان «تأثیر کتاب دین و زندگی یک بر عملکرد و رفتار دینی دانش‌آموزان دختر پایه اول متوسطه در سال تحصیلی ۸۶-۸۵ در منطقه ۱ تهران» دریافت که محتوای کتاب در راستای تلاش برای تنظیم زندگی بر مبنای ایمان به خدا و آخرت تدوین شده است. بر این اساس وی یادآور شد بهتر است محتوی کتاب با ذکر مثال‌هایی روحیه غیب باوری احساس حضور خدا را در دانش‌آموزان تقویت کند.

احمدی (۱۳۸۶) در مطالعه خود تحت عنوان «بررسی تأثیر آموزه‌های دین و زندگی بر سلامت روان دانش‌آموزان دوره راهنمایی شهرستان ورامین» دریافت که آموزه‌های دینی با چهار مقیاس اضطراب و اختلالات خواب، علائم جسمانی، کنش در رفتار اجتماعی و افسردگی رابطه معنادار دارد و در سلامت روان دانش‌آموزان مؤثر است. زمانی (۱۳۸۵) در مطالعه خود تحت عنوان «نقش کتاب دین و زندگی سال اول دبیرستان در شکل‌گیری هویت دینی دانش‌آموزان از دیدگاه معلمان منطقه ۷ آموزش و پرورش تهران» یادآور شد که از نظر معلمان مطالب و محتوای کتاب دین و زندگی به طور کلی به ترتیب اولویت بر اعتقادات دینی، استدلال دینی، رفتار دینی، ظاهر دینی دانش‌آموزان تأثیر گذاشته و باعث شکل‌گیری هویت دینی آنها شده است.

سیف الهی (۱۳۸۵) در مطالعه خود تحت عنوان «میزان تحقق اهداف آموزشی کتاب دین و زندگی دوره متوسطه و پیش‌دانشگاهی در استان گیلان بر اساس حیطه‌های یادگیری بلوم» متذکر شد که اهداف آموزشی کتاب دین و زندگی هم به‌طور کلی و هم به تفکیک در سه قلمرو شناخت و بینش و باورها و گرایش‌ها و عمل و رفتار در حد مطلوب تحقق پیدا نکرده است اما میزان تحقق این اهداف در قلمرو شناخت و بینش از بقیه موارد بیشتر

است. منطقی (۱۳۸۱) در بررسی تحولی راهکارهای درونی‌سازی ارزش‌های دینی در دانش‌آموزان نشان داد هرچه پایه تحصیلی دانش‌آموزان افزایش یابد میزان علاقه دینی آنها کاهش می‌یابد و اگر عوامل بیرون مدرسه‌ای که تجربه دینی تلخی برای دانش‌آموزان پدید آورده را نادیده بگیریم، از عواملی که بیشترین نارضایتی را در آنها ایجاد نموده است، صرف‌نظر نموده‌ایم. اکرمی (۱۳۸۲) نشان داد دانش‌آموزان معتقدند کتاب‌های دینی به نیازهای آنان توجهی ندارد. علی‌عسگری (۱۳۷۰) و سادی (۱۳۷۲)، بر این باور هستند که بی‌توجهی کتاب‌های درسی دینی به تحولات و اقتضانات روحی و روانی جوانان مسکوت ماندن کتاب‌های دینی در مورد مسئله شادی، نشاط و طراحی نامناسب مباحث دینی برای دانش‌آموزان از مواردی است که لازم است همواره مدنظر قرارگیرد.

مشاهده می‌شود که بررسی و مرور پژوهش‌های انجام شده در زمینه کتاب درسی دین و زندگی حاکی از این است که پژوهش‌هایی که تاکنون در زمینه بررسی این کتاب انجام شده است کاملاً متفاوت از پژوهش حاضر است. بنابراین سؤالی که اینک مطرح است این است که با توجه به اصول و روش‌های تربیتی مستخرج از کتاب المحجة البيضاء فی التهذیب الاحیاء با تأکید بر بخش عادات و منجیات به چه میزان به این اصول و روش‌های تربیتی در متن و گام‌های تربیتی کتاب درسی دین و زندگی متوسطه و پیش‌دانشگاهی توجه شده است؟

روش پژوهش

روش این پژوهش کمی و کیفی است.^۱ کرسول^۲ (۱۹۹۴) سه الگو را برای ترکیب طرح‌های کمی و کیفی ارائه داده است: ۱- طرح دو مرحله‌ای^۳، ۲- طرح کمتر مسلط-مسلط^۴، ۳- طرح روش‌شناسی ترکیبی^۵. پژوهش حاضر با تأکید بر رویکرد کمتر مسلط-مسلط اجرا شده است، زیرا برای پاسخ به سؤالات پژوهش از روش‌های آماری توصیفی و استنباطی با ترجیح روش توصیفی استفاده شده است. کرسول (۱۹۹۴) یادآور شد این نوع مطالعه براساس یک پارادایم مسلط (در پژوهش حاضر

1. Combined qualitative and quantitative design
2. Creswell
3. Two-phase design
4. Dominant-less dominant design
5. Mixed-methodology design

روش کمی) با یک بخش کوچک از مطالعه کل به دست آمده از پارادایم بدیل (مطالعه کیفی) انجام می‌گیرد. احمدپور (۱۳۸۹) یادآور شد در روش کمتر مسلط - مسلط می‌توان ابتدا داده‌های کیفی را گردآوری و تحلیل کرد و سپس به گردآوری و تحلیل داده‌های کمی پرداخت و یا برعکس. از آنجاکه در این پژوهش با مراجعه به متن کتاب «المحججه البیضاء فی التهذیب الاحیاء» اصول و روش‌های تربیتی استخراج شده‌اند؛ بنابراین روش پژوهش تا حدودی کیفی است اما به دلیل آنکه بخش کمی مسلط است لذا به این نوع روش بیش کمی - کم کیفی (کمتر مسلط - مسلط) اطلاق می‌شود (کرسول، ۱۹۹۴: ۱۷۷).

برای «تحلیل محتوا» تعریف‌های مختلفی ارائه شده؛ اما روح حاکم در تمام این تعریف‌ها تقریباً یکی است. گال^۱، بورگ^۲ و گال (۱۳۸۲)، جعفری‌هرندی و همکاران (۱۳۷۸)، کری‌پندورف^۳ (۱۳۷۸) و یارمحمدیان (۱۳۷۷) تحلیل محتوا را یک فن پژوهشی برای توصیف عینی، نظام‌دار و کمی ظاهر محتوای رسانه ارتباطی اعم از سخنرانی، پیام، مقاله، عقاید، احساسات و نظرها تعریف نموده‌اند. یارمحمدیان (۱۳۷۷) یادآور شد که برای تحلیل محتوای کتاب‌های درسی، اغلب از دو تکنیک کلی، سنجش خوانایی و یا ابزارهای فهرستی^۴ (سیاهه‌ها) استفاده می‌گردد. فرمول‌های خوانایی درجه پیچیدگی زبانی متن کتاب را تعیین می‌نمایند. این تکنیک تحلیل، به‌ویژه بر روی کلمه‌ها، عبارت‌ها و بندهای یک نوشته متمرکز است و با شمارش آنها (کلمه‌ها و جمله‌ها) و استفاده از فرمول و رابطه‌ای مشخص، میزان درجه سختی متن یا درجه تناسب متن با سن کلاسی یا سطح توانایی خواننده متن مشخص می‌شود. دیانی (۱۳۶۶) یادآور شد استفاده از ابزارهای فهرستی یا سیاهه‌ها، تحلیل‌گر را به مسائل دیگری که فرمول‌های خوانایی اندازه نمی‌گیرد، متوجه می‌نماید. جامعه تحلیلی در این پژوهش کتاب‌های دین و زندگی پایه اول، دوم، سوم متوسطه و پیش‌دانشگاهی سال ۱۳۹۰ و نمونه تحلیلی متون کتاب‌های درسی دین و زندگی متوسطه و پیش‌دانشگاهی و فعالیت انتهایی هر درس با عنوان «گام‌های تربیتی» بود

1. Gall
2. Borg
3. Krippendorff
4. checklist instruments

که مورد بررسی و تحلیل قرار گرفتند. این نوع نمونه‌گیری را در ادبیات تحلیل محتوا به نمونه از قبل معین شده و غیر پیدایشی^۱ تعریف شده است. واحد تحلیل (جمله یا مجموعه‌ای که آن واحد در درون آن جا یافته است و معنی می‌دهد) صفحه (متن و فعالیت‌های انتهایی تحت عنوان گام آخر) و واحد ثبت، عبارت (مضمون گزاره‌ها، عبارات، جملات، آیات و روایات وارده در کتاب‌های درسی دین و زندگی) است. منظور از مضمون پیام خاصی است که از جانب فرستنده پیام مورد توجه قرار گرفته است.

ابزار جمع‌آوری اطلاعات

ابزار جمع‌آوری اطلاعات در دو مرحله ساخته شد که عبارتند از.

● مرحله اول: تدوین مؤلفه‌های مفهومی هر کدام از اصول و روش‌های تربیتی

استخراج شده از مجموعه مجلدات المحجة البيضاء فی التهذیب الاحیاء

● مرحله دوم: تدوین سیاهه و ارسای محتوای کتاب دین و زندگی

مرحله اول: تدوین مؤلفه‌های هر کدام از اصول و روش‌های تربیتی مستخرج

از مجموعه مجلدات المحجة البيضاء فی التهذیب الاحیاء: در این مرحله براساس

احادیث و روایات وارده در مجموعه مجلدات المحجة البيضاء فی التهذیب الاحیاء که در

جدول ۱ و ۲ آمده است مؤلفه‌های هر کدام از اصول و روش‌های تربیت استخراج و در

جدول دو بعدی تنظیم و در اختیار تعدادی از صاحب‌نظران آشنا به اصول و روش‌های

تربیت و همین‌طور اندیشه‌های فیض‌کاشانی قرار داده شد که در رابطه با انطباق هر کدام

از اصول و روش‌های تربیتی با مؤلفه‌های آن و همین‌طور تناسب بین اصول و روش‌های

تربیتی اظهار نظر کنند. پس از اظهار نظر صاحب‌نظران پیرامون مؤلفه‌ها و انطباق مؤلفه‌ها

با هر کدام از اصول و روش‌های تربیتی، بازنگری در مؤلفه‌های مفهومی انجام شد.

بدین معنا که مؤلفه‌هایی که همپوش ارزیابی شده بودند حذف و سایر مؤلفه‌ها مورد

ویراستاری قرار گرفت. پس از انجام اصلاحات و ویراستاری مؤلفه‌ها، چارچوب تهیه

شده مجدداً در اختیار صاحب‌نظران قرار داده شد که آنان چارچوب مفهومی تهیه شده

را مورد تأیید قرار دادند. از این رو چارچوب فوق مبنای تحلیل محتوای کتاب‌های دین

و زندگی قرار گرفت. این چارچوب مفهومی در جدول ۳ منعکس شده است.

جدول ۳: مؤلفه‌های مفهومی اصول و روش‌های تربیتی مستخرج از المحجۀ البيضاء

فی التهذیب الاحیاء

نام	مؤلفه‌ها	
اصول تربیت	تعقل	دانش دوستی، به دنبال درک حقایق بودن، پرسش‌های بنیادی داشتن، پرهیز از سهل‌انگاری، تأمل در تصمیم‌گیری، خود را مسئول سرنوشت دانستن، واقع‌بینی و هدفمندی
	عدل	اعتقاد به روز جزا، درک پیروی جهان از نظم متوازن، درک تناسب عمل و اجر، درک رابطه اعمال و آثار آن
	تذکر	احساس همیشگی در محضر خدا بودن، به یاد فاضل و بخشنده بودن خدا، جاری ساختن یاد خداوند بر زبان، عادت به دعا خواندن، مدام یاد قیامت کردن و یادآوری الطاف الهی
	عزت	استوار بودن، پرهیز از خودنمایی، خدا را سرچشمه کرامت دانستن، خستگی‌ناپذیری در راه هدف، دوری از حسد، روحیه خودباخته نداشتن، ذلت‌گریزی
	تزکیه	انجام عبادات واجب، دوستی با دوستان خدا، ایجاد پیوند با خدا، کسب حلال داشتن، کم توجهی به دنیا، کمک جستن از خدا برای اصلاح خویش، محاسبه دائمی از نفس، مراقبه دائمی از نفس
روش‌های تربیت	تعلیم حکمت	پایان‌ناپذیر دانستن هدف‌های الهی، پذیرش قضا و قدر الهی به‌عنوان زمینه اختیار انسان، تفکر مدام در آیات و نشانه‌های الهی، دانای مطلق دانستن خداوند، درک جهان به‌عنوان نشانه‌های حکمت و علم پروردگار، درک غنی و بی‌نیازی خداوند، دغدغه بیداری داشتن، دوست‌دار فضیلت بودن و عاری از عیب و نقص دانستن خداوند
	تکلیف به قدر و سع	تناسب سختی عمل با زحمات و مرارت‌ها و در نظر گرفتن تناسب بین توان با مسئولیت
	انذار	به یاد داشتن عواقب گناه، به یاد روز جزا بودن، پرهیز از پوچ‌گرایی، خدا را حاکم دانستن و خسران دانستن کفر و شرک
	مجازات به قدر خطا	درک تناسب عمل و جزای آن و مناسب بودن کیفر با جرم
	موعظه حسنه	امر به نیکی‌ها، بازداشتن از بدی‌ها، بیان فرجام بد گذشتگان، دادن اطلاعاتی که بر قلب نرمی بخشد، بشارت دادن و امیدوار کردن به پاداش و فراخوانی بندگان به اطاعت خداوند
	یادآوری نعمت	بهره‌مندی از نعمات خدادادی و سپاس از خداوند
	عبرت‌آموزی	پند و اندرز دادن، تأمل و اندیشه کردن در نمونه‌ها، درس گرفتن از جریانات منفی، سنجش و مقایسه مشاهدات و شنیده‌ها
	ابراز توانایی	آگاهی بر توانایی‌های خود، پرهیز از حقارت نفسی، یافتن نیروی‌های درونی خود
	تغافل	نادیده انگاری رفتار و چشم‌پوشی آگاهانه، اغماض، گذشت، مدارا، ه رو نیاوردن، نادیده گرفتن، بی‌خبر نشان دادن خود

مرحله دوم: تدوین سیاهه و ارسای محتوای کتاب درسی دین و زندگی: در این مرحله براساس چارچوب مفهومی تهیه شده سیاهه و ارسای محتوای کتاب درسی تدوین شد. بدین معنا که جدولی تنظیم شد که در ستون اول نام درس، در ستون دوم نام اصول مورد مطالعه، در ستون سوم نام مؤلفه‌های هر اصل به تفکیک در ردیف‌های جداگانه، در ستون چهارم نام مصادیق (اعم از گزاره، آیه و روایت موجود در کتاب دین و زندگی) هر کدام از مؤلفه‌ها در متن و در ستون پنجم نام مصادیق هر کدام از مؤلفه‌ها در گام‌های تربیتی درج شد که این جدول مبنای تحلیل محتوای کتاب دین و زندگی چهار پایه قرار گرفت. برای تحلیل محتوای کتاب‌های دین و زندگی در حوزه روش‌های تربیت نیز مطابق با جدولی که ذکر آن رفت، عمل شد.

برای تعیین پایایی^۱ و اعتبار^۲ سیاهه و ارسای محتوا، دو درس از کتاب «دین و زندگی» پایه اول توسط پژوهشگر و دو نفر صاحب نظر تکمیل و میزان هم‌خوانی دیدگاه این و ارسای کنندگان با استفاده از ضریب کاپا^۳، محاسبه شد. داده‌های حاصل از این پردازش در جدول ۴ منعکس شده است.

جدول ۴: محاسبه ضریب کاپا برای پایایی فهرست و ارسای محتوای کتاب درسی دین و زندگی دبیرستان و پیش‌دانشگاهی

ضریب توافقی کاپا	مقدار	خطای مقدار	مقدار T	سطح معناداری
۰/۵۲۲	۰/۱۳۱	۰/۳۰۳۳	۰/۰۰۱	

تحلیل داده‌های حاصل از جدول ۵ حاکی از این است که براساس میزان انطباق نظرات داوران در سیاهه و ارسای محتوای کتاب درسی دین و زندگی ضریب کاپا ۰/۵۲ محاسبه شد که در سطح یک درصد معنادار بود. برای تحلیل داده‌ها از شاخص‌های توصیفی (فراوانی و درصد) و تحلیل‌های استنباطی (آزمون مجذورخی) با استفاده از برنامه آماری spss استفاده شد.

1. Reliability
2. Validity
3. Cohen's kappa coefficient

یافته‌ها

اولین موضوعی که در این پژوهش پی‌گیری شد بررسی میزان توجه به اصول تربیتی مستخرج از کتاب المحججه البیضاء فی التهذیب الاحیاء در متن کتاب‌های درسی» دین و زندگی دوره متوسطه و پیش‌دانشگاهی بود که برای آگاهی از این موضوع، ابتدا فراوانی اصول چهارگانه در کتاب‌های دین و زندگی دبیرستان و پیش‌دانشگاهی محاسبه شد و سپس با استفاده از مجذور خی به مقایسه اصول به کار رفته پرداخته شد که داده‌های حاصله در جداول ۵ و ۶ منعکس شده است.

جدول ۵: فراوانی اصول تربیتی (تذکر، تعقل، عدل و عزت) در متن کتاب‌های دین و زندگی دبیرستان و پیش‌دانشگاهی

جمع	عنوان اصل				درصد فراوانی	پایه
	عزت	عدل	تعقل	تذکر		
۱۵۴	۴۴	۲۶	۵۱	۳۳	فراوانی	پایه اول
۱۰۰	۲۸/۶	۱۶/۹	۳۳/۱	۲۱/۴	درصد ردیف	
۱۷/۸	۲۶/۲	۱۱	۱۲/۹	۵۰	درصد ستون	
۲۱۷	۴۶	۷۱	۹۰	۱۰	فراوانی	پایه دوم
۱۰۰	۲۱/۲	۳۲/۷	۴۱/۵	۴/۶	درصد ردیف	
۲۵/۱	۲۷/۴	۳۰/۱	۲۲/۷	۱۵/۲	درصد ستون	
۳۱۶	۴۶	۱۰۰	۱۵۷	۱۳	فراوانی	پایه سوم
۱۰۰	۱۴/۶	۳۱/۶	۴۹/۷	۴/۱	درصد ردیف	
۳۶/۵	۲۷/۴	۴۲/۴	۳۹/۶	۱۹/۷	درصد ستون	
۱۷۹	۳۲	۳۹	۹۸	۱۰	فراوانی	پایه چهارم
۱۰۰	۱۷/۹	۲۱/۸	۵۴/۷	۵/۶	درصد ردیف	
۲۰/۷	۱۹	۱۶/۵	۲۴/۷	۱۵/۲	درصد ستون	
۸۶۶	۱۶۸	۲۳۶	۳۹۶	۶۶	فراوانی	کل پایه‌ها/ اصول
۱۰۰	۱۹/۴	۲۷/۳	۴۵/۷	۶/۷	درصد ردیف	
۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	درصد ستون	

تحلیل داده‌های حاصل از جدول ۵ حاکی از این است که در پایه اول ۱۵۴ مصداق برای چهار اصل شمارش شده است. در کتاب‌های این پایه فراوانی اصل تعقل با ۳۳ درصد بیشتر از اصول دیگر و عدل با فراوانی حدود ۱۷ درصد کمتر مورد توجه مؤلفین قرار گرفته است. در یک مقایسه کلی تر برای همه پایه‌ها نیز می‌توان چنین قضاوت نمود که اصل تعقل با فراوانی ۴۶ درصد (۳۹۶ مورد از ۸۶۶ مورد) و اصل عدل با فراوانی ۲۷ درصد به ترتیب بیشترین فراوانی و اصل تذکر با فراوانی ۸ درصد کمترین میزان توجه را به خود اختصاص داده است. تقریباً می‌توان گفت حدود ۷۵ درصد محتوای کتاب دین و زندگی به اصول تعقل و عدل مرتبط می‌باشد. فراوانی عبارات مربوط به اصل تعقل از پایه اول تا پایه سوم روند صعودی داشته است. در مجموع در پایه اول تنها ۳۳ درصد ولی در پایه‌های دوم و سوم به ترتیب ۴۱ و ۴۹ درصد عبارات مرتبط با اصل تعقل بوده است. در همه پایه‌ها اصل تذکر کمتر از دیگر اصول مورد توجه قرار گرفته است. برای مقایسه فراوانی‌های اصول تربیتی به‌کار رفته در کتاب‌های چهار پایه تحصیلی از آزمون آماری مجذورخی استفاده شد که داده‌های آن در جدول ۶ گزارش شده است.

جدول ۶: آزمون مجذورخی جهت مقایسه فراوانی‌های اصول تربیتی در متن کتاب دین و

زندگی دبیرستان و پیش‌دانشگاهی

سطح معناداری	درجه آزادی	مقدار	آزمون آماری
۰/۰۰۰	۹	۷۷۷/۹۴	مجذورخی
۰/۰۰۰	۹	۲۶۲/۸۶	نسبت احتمال ۱
-----	-----	۸۶۶	تعداد

تحلیل داده‌های حاصله حاکی از این است که مقدار آزمون مجذورخی با درجه آزادی ۹ برابر ۷۷۰.۹۴ بود که در سطح ۱ درصد تفاوت‌ها را معنادار نشان داد ($P > ۰/۰۰۰۰۱$). ملاحظه می‌شود که در همه پایه‌های تحصیلی (به استثنا پایه اول) محتوای کتاب‌های دین و زندگی بیشتر به اصول تعقل و عدالت پرداخته است.

دیگر موضوعی که در این پژوهش پی‌گیری شد بررسی میزان استفاده از روش‌های

تربیتی براساس کتاب المحججه البیضاء فی التهذیب الاحیاء در متن کتاب های درسی دین و زندگی دوره متوسطه و پیش دانشگاهی بود که داده های حاصل از این بررسی در جدول ۷ و ۸ گزارش شده است.

جدول ۷: فراوانی روش های تربیتی (ابراز توانایی، انذار، تزکیه، تعلیم حکمت و ...) در متن کتاب های درسی دین و زندگی دبیرستان و پیش دانشگاهی

جمع	پایه تحصیلی				آماره	پایه
	پایه چهارم	پایه سوم	پایه دوم	پایه اول		
۱۸۴	۴۲	۵۹	۷۸	۵	فراوانی	ابراز توانایی
۲۱/۲	۱۶/۳	۳۷/۳	۳۹	۲	درصد ستون	
۵۴	۲۵	۷	۲۰	۲	فراوانی	انذار
۲/۶	۹/۷	۴/۴	۱۰	۸	درصد ستون	
۲۱۵	۵۰	۱۸	۳۵	۱۱۲	فراوانی	تزکیه
۸/۲۴	۱۹/۵	۱۱/۴	۱۷/۵	۴/۴۴	درصد ستون	
۲۷۵	۹۹	۲۶	۴۳	۱۰۷	فراوانی	تعلیم حکمت
۷/۳۱	۳۸/۵	۱۶/۵	۲۱/۵	۴۲/۶	درصد ستون	
۹	۴	۳	۰	۲	فراوانی	تغافل
۱	۱/۶	۱/۹	۰	۰/۸	درصد ستون	
۲۹	۸	۱۸	۰	۳	فراوانی	تکلیف به قدر وسع
۳/۳	۳/۱	۱۱/۴	۰	۲/۱	درصد ستون	
۳۲	۱۶	۱۲	۱	۳	فراوانی	عبرت آموزی
۳/۷	۲/۶	۷/۶	۵	۱/۲	درصد ستون	
۸	۱	۲	۵	۰	فراوانی	مجازات به قدر خطا
۰/۹	۰/۴	۱/۳	۲/۵	۰	درصد ستون	
۱۸	۲	۵	۱	۱۰	فراوانی	موعظه حسنه
۲/۱	۰/۸	۲/۳	۰/۵	۴	درصد ستون	
۴۳	۱۰	۸	۱۷	۸	فراوانی	مرحله ای نمودن تکلیف
۵	۹/۳	۱/۵	۵/۸	۲/۳	درصد ستون	
۸۶۷	۲۵۷	۱۵۸	۲۰۰	۲۵۲	فراوانی	کل روش ها
۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	درصد ستون	

تحلیل داده‌های حاصل از جدول ۷ حاکی از این است که در پایه اول روش تربیتی تزکیه ۴۴ درصد و تعلیم حکمت ۴۲ درصد به ترتیب بیشترین فراوانی و روش تربیتی انذار و تغافل هرکدام ۸ درصد کمترین فراوانی را به خود اختصاص داده‌اند. در این پایه به روش مجازات به قدر خطا توجهی نشده است. در پایه دوم روش‌های ابراز توانایی ۳۹ درصد و روش تعلیم حکمت ۲۱ درصد و روش تزکیه ۱۷ درصد به ترتیب بیشترین فراوانی به خود اختصاص داده‌اند و روش موعظه حسنه و روش عبرت‌آموزی با کمتر از ۱ درصد کمترین فراوانی را به خود اختصاص داده است. در این پایه به روش تغافل و تکلیف به قدر وسع، توجهی نشده است. در پایه سوم روش ابراز توانایی با ۳۷ درصد، به دنبال آن روش تعلیم حکمت ۱۷ درصد، روش تکلیف به قدر وسع، ۱۱ درصد بیشترین فراوانی و روش تغافل با ۱/۹ درصد کمترین فراوانی را به خود اختصاص داده است. به نظر می‌رسد، مؤلفین کتاب برای ایجاد انگیزه در جوانان بر روش ابراز توانایی در این پایه تأکید کرده‌اند. در دوره پیش‌دانشگاهی روش تعلیم حکمت با ۳۱ درصد و تزکیه با ۱۹ درصد بیشترین فراوانی و روش مجازات به قدر خطا با ۴ درصد و روش موعظه حسنه با ۸ درصد کمترین فراوانی را به خود اختصاص داده است. به طور خلاصه می‌توان گفت در مجموع در ۴ پایه روش تعلیم حکمت با ۲۷۵ و روش تزکیه با ۲۱۵ جمله و عبارت بیشترین فراوانی و روش تربیتی تغافل و مجازات به قدر خطا کمترین فراوانی را به خود اختصاص داده است. برای مقایسه فراوانی روش‌های تربیتی به کار رفته در کتاب‌های چهار پایه از آزمون آماری مجذورخی استفاده شد که داده‌های حاصل از آن در جدول ۸ گزارش شده است.

جدول ۸: آزمون مجذورخی برای مقایسه فراوانی روش‌های تربیتی در متن کتاب‌های دین

و زندگی دبیرستان و پیش‌دانشگاهی

دارای سطح معنا	درجه آزادی	مقدار	
۰/۰۰۰	۳۳	۵۸۱/۳۶۳	مجذورخی
۰/۰۰۰	۳۳	۹۸۱/۳۸۰	نسبت احتمال
-----	-----	۸۸۷	تعداد

مقدار آزمون مجذورخی با درجه آزادی ۳۳ برابر ۳۶۳ بود که در سطح ۱ درصد تفاوت‌ها را معنادار نشان داد ($P > 0/0001$).

برای آگاهی از میزان انطباق «هرکدام از گام‌های تربیتی ذکر شده در پایان درس کتاب‌های درسی دین و زندگی دوره متوسطه با اصول و روش‌های مستخرج از کتاب المحجبه البيضاء فی التهذیب الاحیاء گام‌های تربیتی کلیه کتاب‌ها مورد بررسی قرار گرفت که داده‌های حاصل از آن در جدول ۹ منعکس شده است (لازم به ذکر است که کتاب دین و زندگی دوره پیش‌دانشگاهی سال ۱۳۹۰ فاقد گام‌های تربیتی بوده است).

جدول ۹: فراوانی اصول تربیتی (تذکر، تعقل و ...) در گام‌های تربیتی کتاب درسی دین و زندگی دبیرستان

جمع	پایه				اصول تربیتی
	سوم	دوم	اول	آماره	
۸	۲	۰	۶	فراوانی	تذکر
۱۰۰	۲۵	۰/۰	۷۵	درصد ردیف	
۷	۱	۲	۴	فراوانی	تعقل
۱۰۰	۱۴/۳	۲۸/۶	۵۷/۱	درصد ردیف	
۱	۰	۰	۰	فراوانی	عدل
۱۰۰	۰/۰	۰/۰	۱۰۰	درصد ردیف	
۵	۲	۲	۱	فراوانی	عزت
۱۰۰	۴۰	۴۰	۲۰	درصد ردیف	
۲۱	۵	۴	۱۲	فراوانی	جمع
۱۰۰	۲۳/۸	۱۹	۵۷/۱	درصد ردیف	

تحلیل داده‌های حاصل از جدول ۹ حاکی از این است که در گام‌های تربیتی سه‌پایه تحصیلی (کتاب دوره پیش‌دانشگاهی گام تربیتی ندارد) برخلاف متن دروس اصل تذکر با ۸ مورد بیشترین فراوانی (۳۸ درصد) و اصل عدل با یک مورد کمترین فراوانی (۴ درصد) را به خود اختصاص داده است. لازم به ذکر است که پردازش

استنباطی در این زمینه انجام نشد چرا که فراوانی بعضی از خانه‌ها مناسب برای انجام آزمون مجذورخی نبود.

جهت آگاهی از میزان انطباق هر کدام از گام تربیتی ذکر شده در پایان دروس کتاب درسی دین و زندگی دوره متوسطه با روش‌های تربیتی مستخرج از کتاب المحجة البيضاء فی التهذیب الاحیاء، گام‌های تربیتی کلیه کتاب‌های اول و دوم و سوم مورد بررسی قرار گرفت که داده‌های آن در جدول ۱۰ منعکس شده است.

جدول ۱۰: فراوانی روش‌های تربیتی در (ابراز توانایی، تزکیه، تعلیم حکمت و ...) گام‌های تربیتی کتاب دین و زندگی دوره دبیرستان

جمع	پایه			روش تربیتی
	سوم	دوم	اول	
۲۴	۱۱	۱۰	۳	فراوانی
۱۰۰	۴۵/۸	۴۱/۷	۱۲/۵	درصد ردیف
۳	۲	۰	۱	فراوانی
۱۰۰	۶۶/۷	۰/۰	۳۳/۳	درصد ردیف
۲۴	۶	۵	۱۳	فراوانی
۱۰۰	۲۵	۲۰/۸	۵۴/۲	درصد ردیف
۱	۰	۰	۱	فراوانی
۱۰۰	۰/۰	۰/۰	۱۰۰	درصد ردیف
۲	۱	۰	۱	فراوانی
۱۰۰	۵۰	۰/۰	۵۰	درصد ردیف
۶	۴	۲	۰	فراوانی
۱۰۰	۶۶/۷	۳۳/۳	۰/۰	درصد ردیف
۶۰	۲۴	۱۷	۱۹	فراوانی
۱۰۰	۴۰	۲۸/۳	۳۱/۷	درصد ردیف

تحلیل داده‌های حاصل از جدول ۱۰ حاکی از این است که در کلیه گام‌های تربیتی روش ابراز توانایی و تعلیم حکمت بیشترین میزان فراوانی؛ و بعد از آنها روش یادآوری نعمت قرار دارد. کمترین فراوانی به روش «تغافل» اختصاص دارد. برای بررسی معناداری تفاوت فراوانی‌های روش‌های تربیتی به‌کار رفته در بخش گام‌های تربیتی کتاب‌های ۳ پایه تحصیلی از آزمون آماری مجذور خی استفاده شد که داده‌های حاصل از آن در جدول‌های ۱۱ گزارش شده است.

جدول ۱۱: آزمون مجذور خی جهت مقایسه فراوانی روش‌های تربیتی در گام‌های تربیتی کتاب دین و زندگی دوره دبیرستان

دارای سطح معنا	درجه آزادی	مقدار	
۰/۱۱۷	۲	۴/۲۹۴	مجذور خی
۰/۱۲۱	۲	۴/۲۱۶	نسبت احتمال
-----	-----	۸۱	تعداد

تحلیل داده‌های حاصل از جدول ۱۱ حاکی از این است که مقدار آزمون مجذور خی با درجه آزادی ۲ برابر ۴.۲۹ بود که تفاوت معناداری را بین فراوانی‌های روش‌های مشاهده شده در بخش گام‌های تربیتی کتاب‌های سه پایه نشان نداد. به عبارت دیگر می‌توان گفت که بین فراوانی‌های مشاهده شده روش‌های تربیتی استخراج شده در بخش گام‌های تربیتی کتاب‌های این سه پایه تحصیلی با فراوانی‌های مورد انتظار تفاوت معناداری وجود دارد.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف از انجام پژوهش حاضر بررسی محتوای کتاب درسی دین و زندگی دوره متوسطه و پیش‌دانشگاهی براساس اصول و روش‌های مستخرج از المحجبه البیضاء فی التهذیب الاحیاء است. روش پژوهش توصیفی از نوع تحلیل محتوا است که با استفاده از سیاهه واریسی محتوای کتاب‌های درسی دین و زندگی براساس اصول و روش‌های مستخرج از المحجبه البیضاء فی التهذیب الاحیاء با تأکید بر بخش عادات و

منجیات انجام گرفت. اصول تربیتی که به اعتقاد محققان و نویسندگان این حوزه از جمله رفیعی (۱۳۸۱)، صدر و خرمشاهی (۱۳۸۵)، پازوکی (۱۳۸۷) و علی‌پور و آقامیری (۱۳۹۰) از کتاب المحجة البيضاء فی التهذیب الاحیاء قابل استخراج و مورد توجه قرار گرفته است عبارت است از: «تعقل»، «اعتدال»، «عزت» و «تذکر».

اولین یافته این پژوهش مربوط به میزان توجه به اصول تربیتی چهارگانه مستخرج از المحجة البيضاء فی التهذیب الاحیاء در متن کتاب‌های درسی دین و زندگی دوره متوسطه و پیش‌دانشگاهی است. بررسی و مقایسه روند توجه به اصول چهارگانه «تعقل»، «عدل»، «عزت» و «تذکر» در کتاب‌های دین و زندگی دوره متوسطه نشان داد که اصول فوق در کتاب‌های همه پایه‌ها (به‌جز پایه اول) به یک اندازه مورد توجه قرار گرفته است. تنها در پایه اول فراوانی اصول چهارگانه به ترتیب «تعقل»، «عدل»، «عزت» و «تذکر» جای خود را به «تعقل»، «عزت»، «تذکر» و «عدل» داده است. نکته دیگر این که بررسی مقایسه توجه به اصول چهارگانه در پایه‌های مختلف تحصیلی حاکی از این است که هرچه به پایه بالاتر تحصیلی می‌رویم میزان فراوانی توجه به اصول «تعقل» افزایش می‌یابد در حالی که به همان نسبت از میزان توجه به اصول دیگر کاسته می‌شود. هم‌چنین در پایه‌های دوم و سوم به اصل «تذکر» تقریباً به یک نسبت توجه شده است.

به نظر می‌رسد برتری اصل تعقل نسبت به اصول چهارگانه تربیت در کتاب‌های درسی دین و زندگی به حاکمیت نوع برنامه درسی و رویکرد حاکم بر برنامه درسی مربوط شود. بدین معنا که رویکرد حاکم بر برنامه درسی حاکم بر نظام آموزشی تأکید بر پرورش بعد شناختی دانش‌آموزان است. بدین معنا که نظام آموزشی در کلیه حوزه‌ها علی‌رغم این که تأکید بر بعد عاطفی و رفتاری دانش‌آموزان را مطرح می‌نماید اما عملاً برنامه‌های درسی‌اش را به گونه‌ای تدوین نموده است که تمرکز بیشتری بر بعد شناختی دانش‌آموزان دارد تا بعد عاطفی و روانی-حرکتی آنان (گوتگ، ترجمه پاک‌سرشت، ۱۳۹۰). از این رو براساس یافته‌های فوق‌الذکر اگر کتاب‌های دین و زندگی که مهم‌ترین درس برای تربیت دین و زندگی و همین‌طور برخورداری دانش‌آموزان از زندگی سعادت‌مند دنیوی و اخروی محسوب می‌شود به‌طور متوازن به این چهار اصل توجه نماید، گام مهمی در تربیت اخلاقی دانش‌آموزان برداشته است. از این رو به مولفین

کتاب‌های درسی پیشنهاد می‌شود توجه متوازن به این اصول چهارگانه را همواره در طراحی و تدوین کتاب‌های دین و زندگی مدنظر داشته باشند.

جهت رسیدن به غایت اخلاق یعنی ملکه عدالت به کمک عقل و دین و یک زندگی عزتمند و شرافتمندانه باید روش‌های مناسبی توسط مربیان و معلمان و سازمان‌های متولی تدوین و به کار گرفته شود. روش‌های تربیتی که به اعتقاد محققان و نویسندگان این حوزه از جمله رفیعی (۱۳۸۱)، صدر و خرماهی (۱۳۸۵)، پازوکی (۱۳۸۷) و علی‌پور و آقامیری (۱۳۹۰) در کتاب *المحجبه البيضاء فی التهذیب الاحیاء* مورد توجه قرار گرفته عبارت است از: تعلیم حکمت، موعظه حسنه، تکلیف و تزکیه، تکلیف به قدر وسع، عبرت‌آموزی، مجازات به قدر خطا، موعظه حسنه و یادآوری نعمت‌ها. بررسی یافته‌های مربوط به میزان توجه متن کتاب‌های درسی دین و زندگی به روش‌های تربیتی ده‌گانه نشان داد که به روش‌های «تعلیم حکمت»، «تزکیه» و «ابراز توانایی» در متن کلیه کتاب‌های سه پایه و پیش‌دانشگاهی توجه شده است و این تأکید در پایه اول بیشتر از دیگر پایه‌ها است. در پایه اول محتوای روش‌های تربیتی بر «تزکیه» و «تعلیم حکمت» و در پایه دوم و سوم «ابراز توانایی» و «تعلیم حکمت» و در پایه پیش‌دانشگاهی «تعلیم حکمت» و «تزکیه» تأکید بیشتری داشته است؛ بنابراین می‌توان گفت در مجموع در کلیه کتاب‌های مورد بررسی روش‌های «تعلیم حکمت»، «تزکیه» و «ابراز توانایی» بیشترین فراوانی و درصد را به خود اختصاص داده است. در حالی که به بعضی روش‌ها در بعضی پایه‌ها کمتر و یا اصلاً توجهی نشده است. مثلاً روش‌های «تغافل» و «موعظه حسنه» کمترین توجه را به خود اختصاص داده است و به روش‌های «مجازات به قدر خطا» در پایه دوم و «تغافل» و «تکلیف به قدر وسع» در پایه سوم اصلاً توجهی نشده است.

یافته‌های حاصل از بررسی میزان انطباق فراوانی هر یک از اصول تربیتی با فراوانی روش‌های مربوط حاکی از این است که به‌طور منطقی انتظار می‌رود به همان میزانی که مؤلفین بر اصول تربیتی خاصی در کتاب‌ها توجه داشته‌اند، بر روش‌های ناظر به همان اصول تأکید داشته باشند. همانگونه که گفته شد بر اصول «تعقل»، «عدل»، «عزت» و «تذکر» به ترتیب در کتاب‌های چهارپایه بیشترین تأکید شده است. مقایسه فراوانی روش‌های تربیتی در چهار پایه نشان داد که به‌جز روش‌های مربوط به تعقل (تعلیم حکمت و تزکیه)، تناسبی بین روش‌های تربیتی و اصول مربوط به آنها دیده نمی‌شود.

این عدم تناسب بیشتر مربوط به روش‌های ناظر بر اصول «عدل» و «تذکر» است. به عبارت دیگر اگرچه این اصول به لحاظ اهمیت در رتبه‌های دوم و سوم قرار داشته‌اند اما مؤلفین در هنگام استفاده از روش‌های مربوط به آنها در مقایسه با روش‌های مربوط به اصول دیگر تناسب لازم را رعایت نکرده‌اند. مثلاً روش‌های «ابراز توانایی»، «یادآوری نعمت» و «عبرت‌آموزی» که مربوط به اصول «عزت» و «تذکر» هستند از نظر فراوانی بیشتر از روش‌های مربوط به «عدل» مورد توجه قرار گرفته است. هم‌چنین روش «مجازات به قدر خطا» که مربوط به اصل «عدل» است از نظر فراوانی در کلیه کتاب‌ها کمترین فراوانی را به خود اختصاص داده است. در حالی که اصل «عدل» در رتبه دوم اهمیت در تألیف کتاب‌ها قرار داشته است.

نهایتاً آخرین یافته پژوهش مربوط به گام‌های تربیتی است. بررسی یافته‌های این بخش حاکی از این است که گام‌های تربیتی در پایان هر درس نیز با هدف ایجاد انگیزه بیشتر یادگیری تدوین شده است. نتایج حاصل از بررسی‌ها نشان داد که اصول «تذکر»، «تعقل»، «عزت» و «عدل» در متن گام‌های تربیتی به ترتیب بیشترین فراوانی را به خود اختصاص داده است. بررسی تطبیقی فراوانی اصول با روش‌های تربیتی در گام‌های کتاب‌ها حاکی از انطباق غیر معنادار آنها با یکدیگر است. به عبارت دیگر ترتیب فراوانی روش‌های تربیتی از ترتیب فراوانی اصول به‌طور معناداری تبعیت نکرده است. در گام‌های تربیتی، روش‌های «ابراز توانایی» (اصل عزت)، «تعلیم حکمت» (اصل تعقل)، «یادآوری نعمت» (اصل تذکر) «ترکیه» (اصل تعقل) و روش «موعظه حسنه» (اصل تذکر) واجد بیشترین فراوانی (برخلاف فراوانی اصول) بوده‌اند.

از این رو پیشنهاد می‌شود اولاً در بخش اصول و همین‌طور روش‌های تربیت، توازن بین اصول و روش‌ها مد نظر مولفین محترم قرار گیرد. علاوه بر این در تألیف کتاب‌های دین و زندگی دوره متوسطه انطباق حداکثری بین اصول و روش‌ها مد نظر قرار گیرد و نهایتاً این که بین متن کتاب و گام‌های تربیتی هر درس از نظر توجه به اصول و روش‌ها تناسب منطقی برقرار شود تا به یادگیری بیشتری منجر شود.

لازم به ذکر است از محدودیت‌های پژوهش عدم به‌کارگیری واژگان مشترک برای برخی از مقولات در میان دیدگاه‌های صاحب‌نظران مختلف بود که رسیدن به یک برداشت واحد مفهومی از اصول و روش‌های تربیتی کار را با مشکل مواجه ساخت.

منابع

- احمدپور، محمد. (۱۳۸۹). طرح‌های تحقیق با روش‌های ترکیبی: اصول پارادایمی و روش‌های فنی. *مطالعات اجتماعی ایران*، ۴(۲)، پیاپی ۱۰، ۱۱۸-۱۰۶.
- احمدی، مریم. (۱۳۸۶). بررسی تأثیر آموزه‌های دینی بر سلامت روان دانش‌آموزان دوره راهنمایی شهرستان ورامین. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده روان‌شناسی و علوم اجتماعی، دانشگاه آزاد تهران مرکز.
- اعوانی، غلامرضا. (۱۳۷۷). تأثیر ابن‌سینا و ابن‌رشد فی مسألة الوجود و الجوهر فی الفلسفة الاسلامیة و الغربیة الحدیثه. *خردنامه صدرا*، (۱۱)، ۷۸-۷۳.
- اکرمی، سیدکاظم. (۱۳۸۲). تحقیق چند وجهی در باب کتاب‌های دینی بینش اسلامی متوسطه. *مجموعه مقالات همایش آسیب‌شناسی تربیت دینی در آموزش و پرورش*، جلد ۲. تهران: محراب قلم.
- باقری، خسرو. (۱۳۸۹). *نگاهی دوباره به تربیت اسلامی (جلد ۱، چاپ دوم)*. تهران: انتشارات مدرسه.
- بهشتی، سعید. (۱۳۸۰). آیین خردپروری، پژوهشی در نظام تربیت عقلانی بر مبنای سخنان امام علی (ع). تهران: انتشارات مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر.
- _____ (۱۳۹۰). فقه اخلاقی تربیتی فیض‌کاشانی. *دو فصلنامه تعلیم تربیت اسلامی*، (۱۱)۶، ۱۱۹-۱۰۵.
- بهشتی، محمد. (۱۳۸۸). آرای دانشمندان مسلمان در تعلیم و تربیت و مبانی آن (جلد ۵). قم: انتشارات حوزه و دانشگاه.
- پازوکی کربلایی، علی. (۱۳۸۷). روش‌های تربیت اجتماعی از منظر ملامحسن فیض‌کاشانی. *روانشناسی تربیتی*، ۴(۱۳)، ۴۳-۱۵.
- جعفری هرندی، رضا. (۱۳۷۵). ارزشیابی و تحلیل محتوای کتاب فیزیک ۱ نظام جدید. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی خوراسگان.
- جعفری هرندی، رضا؛ نصر، احمدرضا و میرشاه جعفری، سید ابراهیم. (۱۳۷۸). تحلیل محتوا روشی پرکاربرد در مطالعات علوم اجتماعی، رفتاری و انسانی، با تأکید بر تحلیل محتوای کتاب‌های درسی. *فصلنامه تربیت اسلامی*، ۴(۵۵)، ۳۳-۵۸.
- جلیل‌وند، محمد. (۱۳۸۶). بررسی آموزه‌های دینی بر پیشرفت تحصیلی و اعتماد به نفس دانش‌آموزان دوره راهنمایی شهر تهران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده روان‌شناسی و علوم اجتماعی، دانشگاه آزاد تهران مرکز.
- حاج سیدجوادی، صدر و خرمشاهی، بهاء‌الدین. (۱۳۸۵). *مدخل: اخلاق، ادب و تربیت، دایرةالمعارف تشیع*. تهران: نشر سعید محبی.
- دهخدا، علی‌اکبر. (۱۳۷۷). *لغتنامه*، چاپ چهارم. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- دیانی، محمدحسین. (۱۳۶۶). فرمولی برای تشخیص سطح خوانایی. *فصلنامه روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران*، (۳ و ۴).
- رفیعی، بهروز. (۱۳۸۱). آثار دانشمندان در تعلیم و تربیت و مبانی آن (جلد ۴). قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
- زمانی، علی. (۱۳۸۵). *نقش کتاب دین و زندگی اول دبیرستان در شکل‌گیری هویت دینی دانش‌آموزان از دیدگاه معلمان منطقه ۷ آموزش و پرورش تهران*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده روان‌شناسی و علوم اجتماعی، دانشگاه آزاد تهران مرکز.
- سادبی، علی. (۱۳۷۲). مشکلات تدریس بینش دینی دوره متوسطه. تهران: پژوهشکده تعلیم و تربیت آموزش و پرورش.
- سیف الهی، بی‌نا. (۱۳۸۵). میزان تحقق اهداف آموزشی کتاب دین و زندگی دوره متوسطه و پیش‌دانشگاهی در استان گیلان بر اساس حیطه‌های یادگیری بلوم و همکاران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده روان‌شناسی و علوم اجتماعی، دانشگاه آزاد تهران مرکز.
- شریعتمداری، علی. (۱۳۶۴). *اصول و فلسفه تعلیم و تربیت (چاپ اول)*. تهران: امیرکبیر.
- شکوهی، غلامحسین. (۱۳۷۸). *تعلیم و تربیت و مراحل آن (چاپ یازدهم)*. تهران: آستان قدس رضوی.
- عزتی، ابوالفضل. (۱۳۵۶). *آموزش و پرورش اسلامی*. تهران: انتشارات بعثت.
- علی پور، فاطمه و آقامیری، سیده طاهره. (۱۳۹۰). روش دین‌پژوهی در آثار ملامحسن فیض‌کاشانی. *فصلنامه پژوهش‌های*

اعتقادی - کلامی، (۲)۱، ۹۷-۱۲۶.

علی درزی، فاطمه. (۱۳۸۵). تأثیر کتاب دین و زندگی (۱) بر عملکرد و رفتار دینی دانش‌آموزان دختر پایه اول متوسطه ۸۶-۸۵ منطقه ۱. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده روان‌شناسی و علوم اجتماعی، دانشگاه آزاد تهران مرکز.

علی عسگری، مجید. (۱۳۷۰). بررسی تناسب مفاهیم کتاب فرهنگ و تعلیمات دینی پایه دوم ابتدایی با توانایی ذهنی دانش‌آموزان شهر تهران. تهران: دانشگاه تربیت معلم.

فاضلی، خادم حسین. (۱۳۸۹). گذر و نظری بر زندگی و شخصیت فیض‌کاشانی. نشریه معرفت، ۱۹(۱۵۶)، ۸۳-۱۰۰.

فردانش، هاشم و شیران، زهره. (۱۳۷۹). تحلیل محتوای کتاب متون فارسی (۵) سال سوم نظام جدید آموزش متوسطه و بررسی نظر دبیران مربوطه. دانش و پژوهش در روان‌شناسی، ۲(۴)، ۳۱-۱۳۷.

فضل‌الهی، سیف‌الله. (۱۳۷۴). ارزشیابی و تحلیل محتوای کتاب زبان انگلیسی سال سوم راهنمایی تحصیلی براساس مدل‌های تحلیل محتوا و بررسی دیدگاه دبیران مربوطه. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، خوراسگان: دانشگاه آزاد اسلامی.

فیض‌کاشانی، محمد (بی تا). تفسیر الصافی. مشهد: دارالمرتضی.

_____ (۱۳۷۲). راه روشن ترجمه کتاب المحجة البيضاء فی تهذیب الاحیاء (جلد ۱، ۲، ۷، ۸). (عارف، محمدصادق، مترجم). مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی، آستان قدس رضوی.

_____ (۱۳۷۴). راه روشن: ترجمه کتاب المحجة البيضاء فی تهذیب الاحیاء (جلد ۵، ۶). (صاحبی، عبدالعلی، مترجم). مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.

_____ (۱۳۷۶). علم الیقین، (ح. استادولی و حقیقت، مترجم). قم: موسسه انتشارات حکمت.

_____ (۱۳۸۹). راه روشن: ترجمه کتاب المحجة البيضاء فی تهذیب الاحیاء (جلد ۴، ۳). (عطایی، محمدرضا، مترجم). مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.

_____ (۱۳۹۲). راه نجات، منهاج النجاه، (صمدی آملی، دادر، مترجم). قم: نشر الف - لام - میم.

قانعی، مهناز. (۱۳۸۶). نظریه اخلاقی فیض‌کاشانی و مقایسه آن با نظریه غزالی. نشریه رهنمون (۲۴ و ۲۵)، ۱۵۱-۱۷۰.

کری پندورف، ک. (۱۳۷۸). تحلیل محتوا مبنای روش شناسی، (ه. نایی، مترجم). تهران: انتشارات روش.

گال، م؛ بورگ و. و گال، ج. (۱۳۸۲). روش‌های تحقیق کمی و کیفی در علوم تربیتی و روانشناسی، (ا. نصر، مترجم). تهران: انتشارات سمت و دانشگاه شهید بهشتی.

گوتک، جراللد. (۱۹۸۵). مکاتب فلسفی و آراء تربیتی، (محمدجعفر پاکسرشت، مترجم). تهران: انتشارات سمت.

محمدی، ناصر. (۱۳۹۲). معادله قرآن و حکمت در حکمت صدرایی. مجله حکمت صدرایی، (۲)۱، ۷۷-۹۰.

منطقعی، مرتضی. (۱۳۸۱). بررسی روش‌های درونی‌سازی کردن ارزش‌های دینی در نوجوانان و جوانان. تهران: پژوهشکده علوم انسانی جهاد دانشگاهی.

_____ (۱۳۸۸). تحلیل محتوای کتاب‌های دینی سوم راهنمایی و دبیرستان از منظر پاسخ به نیازهای عاطفی - روانی و اجتماعی دانش‌آموزان. فصلنامه نوآوری‌های آموزشی، (۲۹)، ۵۲-۷۴.

میرعارفین، فاطمه‌السادات. (۱۳۹۰). آسیب‌شناسی کتاب دین و زندگی دوره متوسطه و پیش‌دانشگاهی از منظر توجه به نیازهای دانش‌آموزان در خصوص برنامه زندگی. فصلنامه برنامه درسی، (۲۲)۶، ۵۹-۹۶.

یار محمدیان، محمدحسین. (۱۳۷۷). اصول برنامه‌ریزی درسی. تهران: انتشارات یادواره کتاب.

Creswell, J. (1994). *Research design: Qualitative and Quantitative Approaches*. London: Sage Publications Inc.